



وزارت اطلاعات طرح‌ها و توطئه‌های خودش علیه مجاهدین را در پوشش انجمن نجات رژیم پیش می‌برد. مأموران وزارت اطلاعات، اهرم پیشبرد ترفند کهنه شده آخوندها علیه مجاهدین تحت عنوان خانواده هستند. وزارت اطلاعات کانون طراحی‌های شیطانی با توسل به روش‌های کثیف برای هدف‌های پلید می‌باشد. سوء استفاده حکومت آخوندی از خانواده علیه مجاهدین و طرح‌ها و توطئه‌های وزارت اطلاعات در استان آذربایجان شرقی و مهره‌های بدنام موضوع این نوشته است.

پادوهای آخوندها در آذربایجان شرقی

در آذربایجان شرقی همانند سایر استان‌های ایران، اهرم‌های توطئه علیه مجاهدین، یعنی ترفند کهنه خانواده، مشتی مأمور و گماشته؛ آلت فعل‌های آن هستند. یکی از مهره‌های زبون و کثیف که با سوءاستفاده از نسبت خانوادگی با اشرفی‌ها به خدمتگزاری وزارت اطلاعات در آذربایجان شرقی مشغول است؛ رضا اکبری نسب نام دارد. که با اسم‌های جعلی از جمله صابر، حمید، سعید، فرید، وحید و بعضاً با پسوندهای تبریزی و یا اهری و یا ارموی (armavi) و سرابلی و ... به ادعان خودش با امتیاز ویژه‌یی که وزارت اطلاعات در اختیارش قرار داده و سایر امکانات مشغول تولید جعلیات و متون دیکته شده وزارت اطلاعات علیه مجاهدین و نشر آن‌ها روی انواع سایت‌های وزارت اطلاعات است: «باید اضافه کرد. فضایی را که ابداً قابل مقایسه با دوران شاه نیست و

حداقل از آن میزان تحمل نسبی برخوردار است که من بتوانم کتاب‌ها و اینترنت خودم را داشته باشم. (مزدور رضا اکبری نسب - اینترلینک - ۱۵ بهمن ۹۳)

نامبرده به همراه تعدادی نفوذی‌های لو رفته به ارتش آزادی‌بخش ملی ایران مثل مسعود تقی پوریان، جعفر فرج پور اندبیلی و همین‌طور گماشته‌هایی به اسامی محمدرضا مبین، سیروس غضنفری و محمدرضا شمسی... طرح‌ها و توطئه‌های وزارت اطلاعات را در این استان پیش می‌برد.

آخوندها با به‌کارگیری چندین وزارتخانه اصلی خودشان از جمله وزارت کشور، وزارت امور خارجه و ... توسط نیروی تروریستی قدس و وزارت اطلاعات طرح‌های خود را توسط این مهره‌ها پیش می‌برد. ایادی و عوامل وزارت اطلاعات، وظایف مشخصی را علیه مجاهدین و مقاومت ایران در داخل کشور به اجرا درمی‌آورند.

مأموریت ایادی و عوامل وزارت اطلاعات در شعبه نجات رژیم

ایادی و عوامل وزارت اطلاعات، به‌عنوانین مختلف به مردم و به‌ویژه به ملاً هواداران و خانواده‌های مجاهدین مراجعه کرده و تلاش می‌کنند تا با پوش‌ها و حمل‌های مختلف، توطئه‌های رژیم علیه مجاهدین و مقاومت ایران را پیش ببرند. یکی از این پوش‌ها و عناوین آخوند ساخته اصطلاح «اعضای سابق مجاهدین» است.

برخی از مأموریت‌های عوامل و مهره‌های وزارت اطلاعات در استان آذربایجان شرقی

۱- برگزاری نمایش با به‌کارگیری تسلیم‌شدگان به رژیم آخوندی برای دروغ‌پردازی علیه مناسبات مجاهدین و مراجعه به هواداران و خانواده‌ها به‌منظور فشار آوردن به آن‌ها و اعزام عوامل اجیرشده به سیرک ولایت در اطراف اشرف یا لیبرتی باهدف زمینه‌سازی و مشروع کردن کشتار مجاهدین

۲- حضور در سیرک وحوش آخوندها در اطراف اشرف برای زمینه‌سازی اقدامات تروریستی علیه اشرفی‌ها

۳- راه‌اندازی و شرکت در خیمه‌ش‌بازی آخوندها در دانشگاه‌ها به‌منظور شیطان‌سازی از مجاهدین برای مقابله با رشد و گسترش اجتماعی مجاهدین

۴- شرکت در برنامه‌های تلویزیونی رژیم به‌منظور دروغ‌پردازی علیه مجاهدین توأم با تعریف و تمجید از حاکمیت آخوندها

۵- تهیه نامه و تومارهای ساخته و پرداخته وزارت سرکوب و جنایت‌خواب به ارگان‌های حقوق بشری و بین‌المللی علیه مجاهدین و مقاومت ایران

۶- جعل و تحریف درباره مجاهدین تحت عنوان «خاطرات» و مقالات در سایتهای وزارت اطلاعات

اعزام به سیرک وحوش ولایت تحت نام خانواده مجاهدین

آخوندها در توافق با دولت دست‌نشانده عراق در زمان نخست‌وزیری مالکی در اطراف اشرف یک سیرک تقریباً دائمی با شرکت مزدوران و خودفروخته‌های اطلاعاتی برای جست‌وخیزهای میمون بر پا کرده بودند.

وزارت اطلاعات آخوندها با استفاده از امکانات و تسهیلات ارگان‌های سرکوبگر دولت مالکی، با اعزام و استقرار مأموران و مزدوران خودش از داخل و خارج کشور تحت عنوان «خانواده مجاهدین» به در ورودی اشرف، طرح نابودی مجاهدین را دنبال می‌کرد و با نصب ۳۲۰ بلندگو در اضلاع اشرف به مدت ۶۷۷ روز با پخش ننگین‌ترین لجن پراکنی‌ها توسط مأموران بدنام خودش به عربده‌کشی و تهدید به قتل و کشتار اشرفیان می‌پرداختند.

هدف رژیم ضد بشری آخوندی از پروژه ضد انسانی شکنجه روانی شبانه‌روزی اشرفیان با صدها بلندگو در تمامی اضلاع اشرف به تسلیم کشاندن مجاهدین و از طرف دیگر زمینه‌سازی برای حمله و کشتار به‌وسیله نیروهای دست‌نشانده مالکی بود که حاصل آن، سه قتل‌عام در اشرف با بیش از ۱۰۰ شهید و ۱۰۰۰ مجروح و یک محاصره ضد انسانی همه‌جانبه، به‌موازات شکنجه روانی شبانه‌روزی به مدت ۶۷۷ روز بود.

رضا اکبری نسب، مسعود تقی پوریان (نفوذی لو رفته و افشاشده) و کسانی که هیچ نسبتی با ساکنان اشرف نداشتند از جمله محمدرضا مبین، محمدرضا شمسی و امثال این‌ها به این سیرک اعزام‌شده و به صحنه‌گردانی این نمایش مسخره و جمع‌آوری اطلاعات برای مقاصد تروریستی آخوندها می‌پرداختند.



مزدوران رضا اکبری نسب، مسعود تقی پوریان در سیرک وزارت اطراف اشرف



مزدوران محمدرضا مبین و محمدرضا شمسی در سیرک وزارت اطراف اشرف

قتل عام اشرف در ۱۰ شهریور ۹۲

قتل عام ۱۰ شهریور یک جنایت علیه بشریت بود، ولی آیا فقط رژیم در این جنایت دست داشت؟ همدست‌های رژیم در این جنایت چه کسانی بودند؟ قبل از جنایت چه کسانی جاده را برای رژیم جاده هموار کرد؟ بعد از جنایت، چه کسانی دست خونین جلاد را پاک می‌کردند و چه کسانی از جنایتکار تقدیر کردند تا به جنایتش ادامه بدهد؟

رژیم، مزدوران و عوامل اطلاعاتی آلت دست خودش را، با فرستادن به اطراف اشرف و استفاده از صنعت نامه‌نگاری و تومار سازی، قبل از قتل عام ۱۰ شهریور برای کشتار مجاهدین، به کار گرفت و بعد از قتل عام هم برای مشروع کردن آن و هم برای ادامه جنایت‌هایش به خدمت گرفت.

بعد از قتل عام ۱۰ شهریور، جاده صاف‌کن‌ها و دستیاران دژخیم، همان‌ها که قتل عام اشرف، این جنایت بزرگ علیه بشریت را زمینه‌سازی کرده بودند، به شستن دست‌های جلاد و پاک کردن خنجر او پرداختند.

در ۲۶ اسفند ۹۲ پرده‌ها به‌طور کامل کنار می‌رود و مستخدمان اطلاعات ولایت فقیه نقاب از چهره برمی‌دارند. روزنامه حکومتی الصباح الجدید (۱۷ مارس ۲۰۱۴) نامه سرگشاده‌یی را با اسامی ده‌ها تن از به‌اصطلاح جداشدگان سازمان مجاهدین خلق ایران خطاب به نوری مالکی منتشر می‌کند. مزدوران در این نامه تلاش می‌کنند تا به مالکی و مشاور امنیتی‌اش، اولاً در رابطه با ناکامی و شکست در رسیدن به هدف اصلی‌شان در حمله به اشرف دلداری بدهند و ثانیاً در برابر پیگرد دادگاه اسپانیا که آن‌ها را وحشت‌زده ساخته حمایت‌شان کنند.

اما رژیم به این بسنده نکرد و تومار دیگری با اسامی ۳۲ گماشته خودش البته این بار از داخل کشور و استان آذربایجان شرقی خطاب به مالکی، در حمایت از تومار خارج کشوری، علم کرد.

در رابطه با این تومار هم نکات وجود داشت که رسوایی آن را برملا می‌کرد اولاً: همان خط جدا کردن سر از بدنه را تکرار کرده بود دوم اینکه چند نفوذی لو رفته مثل **مسعود تقی پوریان**، **جعفر فرج پوراندبیلی** و **اسماعیل طالبی** در بین اسامی این تومار به چشم می‌خوردند. در کنار آن‌ها مزدورانی از جمله محمدرضا مبین، سیروس غضنفری و محمدرضا شمسی و ... هم قرار داشتند و رسواتر اینکه این تومار در سایت نجات رژیم که برای همگان روشن است شعبه وزارت اطلاعات است مفصل درج شد.

اعزام مأموران اطلاعات آخوندی از داخل و خارج کشور به عراق

در آذرماه ۸۶ گروهی از مأموران اطلاعات و نیروی قدس از داخل و خارج ایران برای توطئه و شکایت و لجن پراکنی علیه مجاهدان اشرف به عراق فرستاده شدند و در هتل منصور بغداد تحت امر سفارت رژیم قرار گرفتند. برخی از این مزدوران از جمله مسعود خدابنده و رضا اکبری نسب، به مدت سه ماه در عراق بودند. شکایت‌های ساختگی به دستگاه‌های قضاییه عراق علیه مجاهدان اشرف و جذب افراد قابل خریدن از میان نفرات تیف (خروجی تحت کنترل نیروهای آمریکایی در جنب قرارگاه اشرف) برای بازصرف آن‌ها تحت عنوان "اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق ایران" بخش دیگری از مأموریت این مزدوران بود.

راه‌اندازی نهادهای جاسوسی و اطلاعاتی

۱۰ بهمن سال ۸۶ تعدادی از عوامل نیروی تروریستی قدس که تحت عنوان افراد سفارت رژیم در عراق کار می‌کنند، به شهر خالص (در نزدیکی اشرف) رفته و درصدد راه‌اندازی یک مرکز تروریستی تحت پوشش یک سازمان غیردولتی مدافع حقوق بشر برآمدند. در همین رابطه در بهمن ۸۶ سفارت رژیم در بغداد با پوشش "یک سازمان غیردولتی مدافع حقوق بشر" بنام "بنیاد خانواده سحر" در شهر خالص در نزدیکی اشرف راه انداخت.

زمینه‌سازی‌های رژیم آخوندی برای اقدامات تروریستی علیه ساکنان اشرف

از اوایل بهمن‌ماه سال ۸۶ رژیم آخوندی گروهی از عوامل اطلاعات و نیروی قدس را از داخل و خارج ایران برای توطئه و زمینه‌سازی اقدامات تروریستی علیه اشرف به عراق فرستاده و در ارتباط مستمر با سفارت این رژیم، در هتل منصور بغداد مستقر کرد.

بعضی از عوامل وزارت اطلاعات و نیروی قدس که در هتل منصور بغداد مستقر شده بودن **رضا اکبری نسب** و مزدور مسعود خدابنده بودند. فردی بنام **طباطبایی از نیروی تروریستی قدس** رابط آنها بود.

در روز ۱۸ بهمن پاسدار کاظمی قمی سفیر رژیم در بغداد در هتل منصور با آنها ملاقات و آنها را توجیه کرد.

به دنبال این زمینه‌سازی‌ها، در ۱۹ بهمن ۸۶ تروریست‌های وابسته به نیروی قدس ایستگاه پمپاژ آب شهر اشرف را با ۳۰۰ کیلوگرم تی ان تی منفجر کردند و آب اشرف و ۲۰ هزار تن از اهالی منطقه قطع شد.

شرکت در برنامه‌های تلویزیونی آخوندها علیه مجاهدین

خامنه‌ای با تمام امکانات داخلی، منطقه‌یی و جهانی خودش کوشید تا با ضربه زدن به مقاومت سازمان‌یافته، تهدید اصلی سرنگونی ولایتش را خنثی کند. او و ایادی ریزودرشتش با توطئه‌های گوناگون تلاش کردند تا به خیال خام خودشان، مقاومت را از روی نقشه سیاسی ایران پاک کنند. توطئه‌های پی‌درپی علیه رزمندگان مجاهد خلق در اشرف و لیبرتی با موشک و حمله و هجوم رژیم برای زمینه‌سازی نابودی مجاهدین و مشروع کردن آن، به بسیج عوامل اطلاعات به‌عنوان خانواده‌ها و ساختن فیلم‌های قلابی، به سیلابی از اکاذیب دیوانه‌وار روی آورد و گماشته‌های وزارت اطلاعات اهرم پیشبرد این توطئه‌های رژیم بودند.

رژیم در یک به‌اصطلاح مستند که البته سراسر جعلی بود، تحت عنوان «پشت نرده‌ها» تعدادی از مأموران و پادوهای وزارت اطلاعات از جمله ابراهیم خدابنده و رضا اکبری نسب را ردیف کرد تا محاصره ضد انسانی و کشتار اشرفی‌ها را زمینه‌سازی و مشروع کند (مستند پشت نرده‌ها - شبکه ۱ تلویزیون رژیم - ۵ مرداد ۹۳)

علاوه بر این تلویزیون انگلیسی‌زبان آخوندها به نام پرس تی وی در تاریخ ۳ دی ۹۱ با نمایشی از مأموران وزارت اطلاعات از جمله **محمد رضا مبین** تلاش کرد همه نوع فشار و

سرکوب و محاصره اشرفی‌ها را مشروع جلوه دهد.



خیمه‌شب‌بازی وزارت اطلاعات در دانشگاه‌های کشور با پادوهای حقیر

بعد از خروج نام سازمان از لیست‌های ارتجاعی و استعماری در اوایل مهر ۹۱ و برگشتن ورق به زیان رژیم در همه عرصه‌های داخلی، منطقه‌یی و بین‌المللی، ولی فقیه ارتجاع در ابعاد بسیار گسترده‌تری نسبت به قبل به برگزاری نمایشگاه‌ها علیه مجاهدین ادامه داد.

این خیمه‌شب‌بازی‌های وزارت اطلاعات با بازیگری تعدادی از پادوهای آخوندها تحت عنوان «اعضای سابق مجاهدین» انجام می‌شد.

البته نباید فراموش کرد که این‌ها علاوه بر صدها جلد کتاب و صدها فیلم و مستند و هزاران مطلب و یاوه و برنامه تلویزیونی و علاوه بر لجن‌پراکنی مستمر از منابر جمعه و جماعت در سراسر کشور است.

در همین رابطه سایت‌های وزارت اطلاعات اعلام کردند: «دومین نمایشگاه افشاگرانه با عنوان دگردیسی در فرقه مجاهدین در محل دانشگاه آزاد تبریز از تاریخ ۱۳ لغایت ۱۶ اسفند ۱۳۹۱ برگزار شد، قبلاً هم این نمایشگاه در شهر آذرشهر برگزار شده بود. در حاشیه این نمایشگاه نیز اعضای جدا شده از سازمان به پرسش‌ها و ابهامات افراد بازدیدکننده پاسخ می‌دادند». (نجات رژیم ۲۳ اسفند ۹۱)

راستی چرا این رژیم بعد از آن همه تبلیغات و تکرار این مطلب که مجاهدین چیزی نیستند، از بین رفته‌اند، پایگاهی در بین مردم و جوانان ندارند، این‌طور دیوانه‌وار به تمام وسایل و شیوه‌های تبلیغاتی، از جمله برپایی نمایشگاه، برای پیش بردن جنگ روانی علیه مجاهدین و مخدوش کردن چهره آن‌ها متوسل می‌شود؟!

پاسخ را از زبان پاسدار سعید قاسمی و هاشمی نژاد از دژخیمان رژیم بشنوید که اعترافات آن‌ها به روشنی ترس آخوندها از دانشگاه و دانشجو و رابطه آن‌ها با مجاهدین را نشان می‌دهد:

«توی دانشگاه شریف همین ترم گذشته عکس مریم رجوی رفته بالا... یعنی چه؟ سازمان مجاهدین خلق... هنوز که هنوزه پرچم‌دار اینهان» (پاسدار سعید قاسمی - آرمان تی وی - ۵ اسفند ۹۵)

«درواقع باید بگویم قشر جوان بیشتر مورد هدف [مجاهدین] قرار دارند. بنابراین باید کار در این زمینه به صورت گسترده و فراگیر صورت بگیرد. تا به امروز بیش از ۳۰۰ نمایشگاه با موضوع [مجاهدین] در کشور برپا کرده‌ایم» (دژخیم هاشمی نژاد - سایت شهید خبر - ۲۴ بهمن ۹۵)

افشای پادوی وزارت اطلاعات رضا اکبری نسب

مجاهد خلق مرتضی اکبری نسب درباره مزدور رضا اکبری نسب می‌گوید: «سابقاً یکی از خائنین اکثریت بوده، که به استخدام وزارت اطلاعات در شهر تبریز درآمد و سال‌هاست که یک مأمور فعال در شعبه پوششی وزارت اطلاعات آذربایجان شرقی تحت نام نجات در تبریز است. در سال ۸۷ وزارت اطلاعات این مزدور را با دخترم که در آلمان چفت و جور کرد به ایران برد و بعد با یک مأمور بدنام شناخته‌شده به اسم غلامرضا صادقی جبلی هماهنگشان کرد به جلوی در اشرف فرستاد تا از این طریق یک جنگ روانی کثیف رو تحمیل کنه. آن‌ها ۲ خرداد ۸۷ به درب اشرف اومدن تا به توطئه وزارت اطلاعات لباس خانوادگی بپوشونن».



رضا اکبری نسب طی گزارشی به تاریخ ۲۹ می ۲۰۰۸ (۹ خرداد ۸۷) در بنیاد سحر برخوردهای فاطمه اکبری نسب را چنین توصیف می‌کند: فاطمه «شروع به پرتاب سنگ به طرف قرارگاه می‌کرد و فریادهای گوش‌خراش وی دنیایی را تکان می‌داد.»

رضا اکبری نسب به نقش وزارت اطلاعات در این طرح کثیف اذعان کرده و در گزارشی از سفرش که در یکی از سایتهای وزارت اطلاعات روز ۳۰ می ۲۰۰۸ (۱۰ خرداد ۸۷) درج شده بود نوشت: «اخیراً و به طریق تلفنی او [فاطمه] را به مسافرت به اشرف دعوت کرده بودند که این برنامه ریزی ما نقشه آن‌ها را بر باد داده بود.»

مرتضی اکبری نسب درباره مزدور رضا اکبری نسب می‌گوید: «اطلاعات آخوندی همین مزدور رضا اکبری نسب رو یکبار دیگر در تاریخ ۱۵ بهمن ۸۶ برای توطئه علیه اشرف به کار گرفته بود و به اشرف فرستاد. من به این فرد، گفتم و هشدار دادم که خودش رو بیش از این به ننگ و لوث وزارت اطلاعات آخوندها آلوده نکند. به او گفتم که آخوندها چه شکنجه‌ها و جنایاتی علیه خانواده‌های مجاهدین اعمال کردن و حالا همین خانواده‌ها را می‌خواهند علیه اشرف مورد سوءاستفاده قرار بدن و به او توصیه کردم که با آخوندهای جنایتکار همکاری و همراهی نکند.»

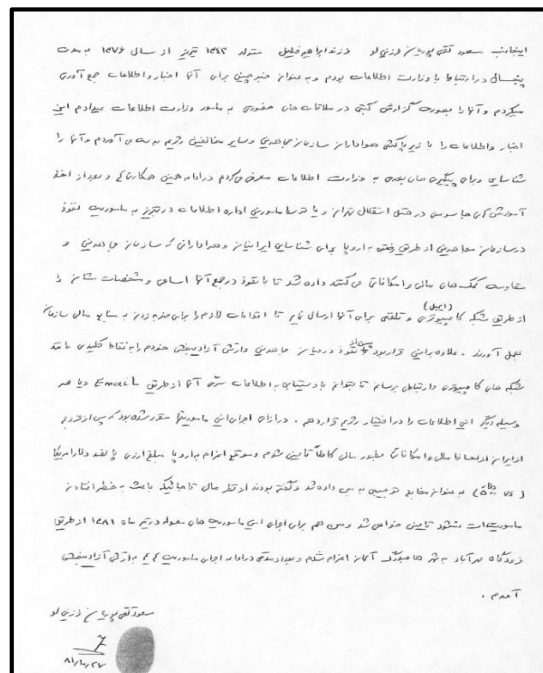


رضا اکبری نسب وقتی برای انجام مأموریت علیه اشرف به بغداد اعزام شده بود در تاریخ ۲ اسفند ۸۶ در بغداد با تلویزیون شبکه دو رژیم برای تکرار یاهوهای وزارت اطلاعات علیه مجاهدین مصاحبه کرد. او در همین سفر با تلویزیون جیره‌خوار آخوندها در عراق به نام الفرات نیز علیه سازمان مصاحبه نمود. او در مصاحبه با الفرات پس از معرفی خود به دروغ گفت: «برادرم مرتضی اکبری نسب است، برادرم به عراق آمده بود در اثر فضایی که در ابتدا انقلاب ایران بود او برای پنهان شدن به کشورهای اروپایی به عراق آمده بود ولی متأسفانه در مرز عراق ... سازمان مجاهدین خلق او را دستگیر کردند و به او اجازه ندادند که خارج شود»

گماشته وزارت اطلاعات مزدور «مسعود تقی پوریان»



مسعود تقی پوریان فرزند لو، یک مأمور نفوذی لو رفته و اعتراف کرده است که در داخل کشور از سال ۱۳۷۶ در خدمت به گشتاپوی آخوندی مشغول جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات در میان خانواده‌های مجاهدین و هواداران سازمان بوده که به دستگیری شماری از آنان منجر شد و سپس در مردادماه سال ۱۳۸۱ برای نفوذ به درون ارتش آزادی‌بخش با مأموریت جاسوسی برای انجام عملیات و اقدامات تروریستی به قرارگاه اشرف اعزام گردید ولی کشف‌شده و به مأموریت خود اعتراف نمود.



مسعود تقی پوریان بعضاً بانام جعلی مصطفی آزاد روی سایت‌های وزارت مشغول انجام‌وظیفه می‌باشد.

وزارت اطلاعات برای اعزام این مأمور نفوذی با توجه به افشاگری‌های مجاهدین و گزارش مدیریت ضداطلاعات ارتش آزادی‌بخش ملی ایران درباره کشف و خنثی کردن طرح‌های نفوذ وزارت اطلاعات که در اسفند سال ۷۶ منتشر شد، سعی کرد نقاط ضعف سیستم نفوذ خودش را که مهم‌ترین آن دخالت مستقیم وزارت برای وصل ارتباط اولیه و برای حل‌وفصل مسائل اعزام مأموران و عبور دادن آن‌ها از مسیرهای شهری و مرزی بود تا آنجا که ممکن است با شیوه‌های غیرمستقیم، جایگزین کند تا اثری از خودش باقی نگذارد.

یکی از این شگردها به‌عنوان روش جایگزین، برقراری ارتباط اولیه با تلفن یا نامه با سرپل‌های مجاهدین در خارج بخصوص با ترنند ارتباط خانوادگی بود تا وصل ارتباط اولیه هرچه طبیعی‌تر جلوه کرده و مأمور اعزامی موردشک قرار نگیرد.

به همین دلیل به مسعود تقی پوریان گفته‌شده بود به‌منظور سفیدسازی و فریب مجاهدین، از ایران اول به آلمان رفته و بعد از آنجا با توجه به اقوام و بستگانی که در میان رزمندگان ارتش آزادی‌بخش دارد، خواهان ارتباط خانوادگی شود و درنهایت درخواست پیوستن به ارتش آزادی کند.

او برای اجرای مأموریت، ابتدا در تیرماه سال ۱۳۸۱ با دعوت‌نامه‌یی توسط برادرش به آلمان نزد او رفت و از طریق او ریل معمول اقامت را دنبال کرد. بعد از چند هفته با روابط عمومی سازمان در خارج ارتباط برقرار کرده و خواهان صحبت و دیدار با اقوام خود در ارتش آزادی‌بخش شد و درحالی‌که در ارتباط با وزارت اطلاعات قرار داشت، ابتدا به ترکیه آمد و بعد برای پیوستن به ارتش آزادی‌بخش به عراق رفت.

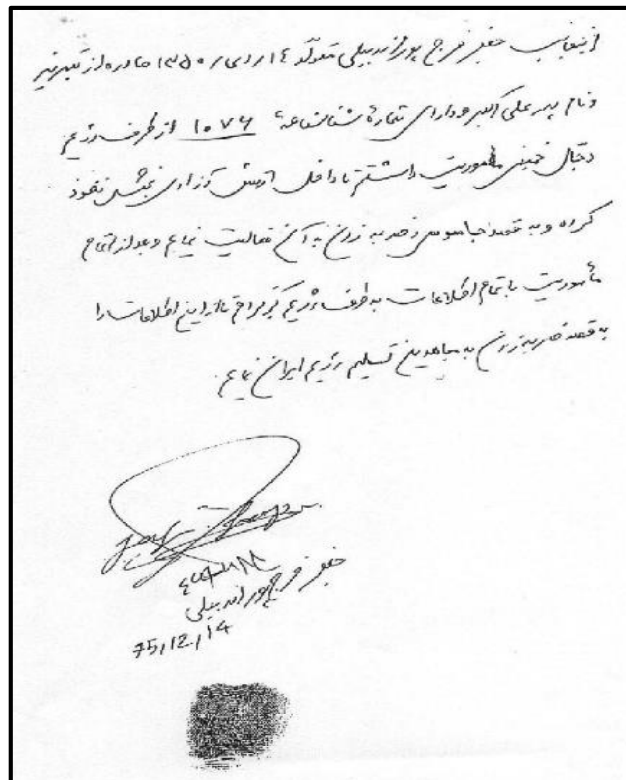
اما این طرح فریب وزارت، مانع لو رفتن عامل نفوذی آن‌ها نشد. عامل نفوذی اطلاعات آخوندی، پس از برملا شدن مأموریتش از صفوف مجاهدین اخراج شد و به نزد نیروهای آمریکایی رفت. در اسفندماه پیش اربابانش در وزارت جنایت و کشتار برگشت و به انجام وظایف محوله علیه مجاهدین ادامه داد.

نامبرده به‌محض اینکه به ایران برگشت، توسط وزارت اطلاعات به‌کاررفته شد. از کار اطلاعاتی در ملاً هواداران مجاهدین تا شرکت در سیرک اطراف اشرف، لجن پراکنی در سایت‌های پوششی وزارت اطلاعات، نامه‌نگاری و تومارنویسی، علیه مجاهدین و...

افشای نفوذی لو رفته مزدور جعفر فرج پور اندبیلی



جعفر فرج پوراندبیلی، اهل تبریز، در بهمن ۷۵ از مرز کردستان برای نفوذ در ارتش آزادی بخش به دروغ آمد. وی قبلاً هم برای پیوستن به ارتش آزادی بخش اقدام کرده بود، اما پس از عبور از مرز قصر شیرین، توسط یه کتی دستگیر و تحویل وزارت اطلاعات گردید و سپس به همکاری با آن پرداخت. در مأموریت فرج پور، روی جمع آوری اطلاعات عملیات و شناسایی فرماندهان و قرارگاه‌ها و اماکن حساس ارتش آزادی بخش تأکید شده بود.



متن سند:

این جانب جعفر فرج پور اندبیلی متولد ۱۴ دی ۱۳۵۰ صادره از تبریز و نام پدر علی اکبر و دارای شماره شناسنامه ۱۰۷۶ از طرف رژیم دجال خمینی مأموریت داشتم تا داخل ارتش آزادی بخش نفوذ کرده و به قصد جاسوسی و ضربه زدن به آن فعالیت نمایم؛ و بعد از اتمام مأموریت با تمام اطلاعات به طرف رژیم برگردم تا از این اطلاعات را به قصد ضربه زدن به مجاهدین تسلیم رژیم ایران نمایم. جعفر

فرج پور اندبیلی ۷۵/۱۲/۱۴

علت روی آوردن رژیم به این قبیل شیوه‌های کهنه و صدمبار تجربه شده و شکست خورده، کوتاه شدن دست ولی فقیه ارتجاع از شیوه‌های معمول آخوندها یعنی کشتار و موشک باران است که برای مقابله با توجه و اقبال عمومی از مجاهدین توسط به آنها تشدید کرده است. رژیم در هراس از تشنگی نسل جوان که می‌خواهند هر چه بیشتر از مجاهدین بدانند و هر چه بیشتر با تاریخ مقاومت میهنشان آشنا شده و از تجارب آنها برخوردار شوند؛ برای ارائه چهره مخدوشی از مجاهدین این جنگ روانی کثیف و پرهزینه را در کنار به کار گرفتن همه وسایل و ابزارهای جنگ روانی، راه انداخته است؛ اما همان طور که کشتار و قتل عام مجاهدین درد سرنگونی رژیم را دوا نکرده، از این شیوه‌ها هم آبی برای رژیم گرم نخواهد شد.

لینکهای مرتبط:

- ۱- غلامرضا صادقی جبلی؛ مأموری برای نفوذ از سوی اطلاعات آخوندی
- ۲- نفوذی وزارت اطلاعات مسعود تقی پوریان فرزین لو
- ۳- افشای شعبه پوششی وزارت اطلاعات موسوم به «نجات» در استان مازندران
- ۴- آرزوی برباد رفته ولی فقیه ارتجاع از انتقال مجاهدین به لیبرتی با اهرم «خانواده»